عشق بازیافته

در سینما
تیاتر و ادبیات داستانی

رسول نظرزاده

روزنه

www.ketab.ir

نظرزاده، رسول، ۱۳۵۱ –
عشق بازیافته در سینما، تیاتر، ادبیات داستانی / رسول نظرزاده. تهران: روزنه کار، ۱۳۹۶.
۲۱۰ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
شابک: ۶-۰۴-۷۸۷۶-۶۰۰-۹۷۸
فیپا. – عشق در ادبیات – Love in literature – عشق در هنر – Love in art – سینما – نقد و تفسیر – Motion pictures – Reviews
[illegible] دی کنگره: ۱۳۹۶ ۶ن۵ع/PIR۴۰۵۳
رده‌بندی دیویی: ۸فا۱/۰۰۸۳۵۴
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۵۲۴۱۴

روزنه

عشق بازیافته در سینما، تیاتر و ادبیات داستانی

نویسنده: رسول نظرزاده
ناشر: روزنه‌کار
چاپ و صحافی: روزنه‌کار
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان
حق چاپ محفوظ است.

تهران : خیابان استاد مطهری خیابان فجر کوچه شهید نظری پلاک ۵۲ تلفن: ۸۸۸۲۸۲۰۹
Email: rowzane.pub@gmail.com شابک: ۶-۰۴-۷۸۷۶-۶۰۰-۹۷۸

www.ketab.ir

فهرست

مقدمه ۷

بخش اول- در سینمای جهان

فصل اول بازخوانی تکرار «عشق بازیافته» در شش فیلم

برجسته‌ی سینمای جهان ۱۵

۱-کازابلانکا ۱۶

۲- جانی گیتار ۲۲

۳- سرگیجه ۲۸

۴-پاریس، تگزاس ۳۱

۵- سینما پارادیزو ۳۵

۶- پیش از غروب ۴۱

فصل دوم الگوهای «عشق بازیافته» در سینما ۴۷

پیوست: عشق باز یافته در فیلم « قطار سریع شانگ های » ۵۹

بخش دوم – «عشق بازیافته» در سینمای ایران

فصل سوم ردپای «عشق بازیافته» در سه فیلم سینمای ایران ۶۳

www.ketab.ir

۱- ردپای گرگ ۶۵
۲-ماهی ها هم عاشق می شوند ۷۴
۳- تنها دوبار زندگی می‌کنیم ۷۸
فصل چهارم شاخصه‌های «عشق بازیافته» در فیلم‌های ایرانی .. ۸۵
پیوست: عشق بازیافته در فیلم «مرد بارانی» ۹۳

بخش سوم - «عشق بازیافته» در ادبیات داستانی
فصل پنجم عشق بازیافته در پنج اثر ادبیات داستانی معاصر ایران..... ۹۹
۱- ثریا در اغما ۱۰۲
۲- آینه‌های دردار ۱۱۴
۳-فرباشی ۱۲۱
۴- فانفار ۱۲۶
۵- ویران می‌آیی ۱۳۴
فصل ششم شاخصه‌های عشق بازیافته در ادبیات داستانی معاصر ایران.... ۱۴۳

بخش چهارم - در ادبیات نمایشی
فصل هفتم نگاهی به عشق بازیافته در نمایشنامه‌های ایبسن.... ۱۵۷
۱- ما مردگان برمی‌خیزیم ۱۵۷
۲- جان گابریل بورگمن ۱۷۵
فصل هشتم عشق بازیافته در نمایشنامه «رویای پاییزی» یون فوسه ۱۸۹
فصل نهم نگاهی به «عشق بازیافته» در دو نمایشنامه ی ایرانی ۱۹۹
مرد ناتمام و طعم آلوی جنگلی ۱۹۹

www.ketab.ir

مقدمه

نوشتن درباره‌ی لحظه‌های عشق بازیافته میان دو انسان در فیلم‌ها, داستان ها و نمایشنامه ها ، مثل خالی کردنِ خود از احساسات شخصی‌ای است که با لحظه لحظه‌ی آنها زیسته‌ای و نگاه و احساساتت با آنها رشد یافته است. بازخوانی و پیدایی آنها ضمن توجه دادن دوباره, نوعی اشراف و گذر را هم در خود نهفته دارد. باید زمان می‌گذشت تا بتوانی از آنها فاصله بگیری. آنها را با هم مقایسه کنی و به نتیجه‌ای درخور برسی. نتیجه‌ای که برای این قلم لااقل همچون کشفی بود که امیدوار است در این کتاب بتواند آن را به سرانجامی برساند.

این تجمعِ احساس‌های فروخورده، بغض‌های فراموش‌شده و حسرت‌های سرباز کرده و توقع‌های برآورده نشده، نگاه‌های قدرنشناخته، تنهایی‌های مغرورانه و... جای آن دارد که بار دیگر مورد نگاه نزدیک‌تر و همراه شدن دوباره قرار گیرد.

خیلی زود متوجه می‌شوی که مضمونِ «عشق بازیافته» اگر درست پرداخت شود و به اصطلاح دربیاید، یکی از مایه‌های مهم و همیشگی تاریخ

www.ketab.ir

سینما ، تاتر و داستان بوده است. گستره‌ی آن به رابطه‌ی زن و مرد محدود نمی‌شود و عشق بازیافته (بازگشت) به طبیعت, به خانواده،به شهر, به کودکی،به دوران جوانی،به مادر،به گذشته و... همچنین بازگشت و بازیابی خود، که با مضمون تحول همراه می‌شده، در سینما بسیار مرسوم بوده است. اما «عشق بازیافته» میان زن و مرد که خط سیر این متن است در سینما و تئاتر طرفداران و عاشقان بسیار دارد و دیالوگ‌های این صحنه‌ها به گفتگوهایی فراموش‌ناشدنی بدل شده‌اند و این یکی از معجزه‌های هنراست که فراتر از ابزار و تکنیک، چنین از محدوده‌ی زمان و مکان فراتر می‌رود و در قلب‌ها جریان می‌یابد. توانایی غرق شدن در این لحظه‌ها -در نگاه و توجه به هر دو طرف ماجرا- به عبور و رشدی درخور نیاز دارد. همچون گرم شدن و شعله‌ور ساختنِ گرما در کوره و به خاموشی می‌رفت. ما -تماشاگر- از داستان و ماجرا خارج می‌شویم، در یکی میان لحظه‌ها می‌ایستیم، از زمین انگار فاصله می‌گیریم، از آدم‌ها، رابطه‌ها، حسادت‌ها و... و با نگاهی فراتر و کمی دورتر،به خود و به آنها می‌نگریم. به چرخه‌ی همه‌ی عمر -که این آثارمی‌گوید بدون دیگری بی‌معنا گذشته است- و بیرون افتادن از چرخه‌ی هستی و مواجه شدن با چهره‌ی واقعی خود در آینه. آنها معمولا غرور و خامی و پنهان‌کاری را در این گذر پشت سر نهاده‌اند و نقاب‌ها و بازی‌ها را کنار گذاشته‌اند اما این فاصله باعث شده خود را پشت احتیاطی دائمی برای رو نکردن احساسات و صدمه‌ی دوباره و نوعی مقاومت قرار دهند و رسیدن به اعتماد در آنها و برای اطرافیان‌شان مشکل باشد. این مقاومت اما در برابر همدیگر با بغض و نفرت سرپوشیده و گلایه‌ها همراه است. دیدن آنچه در آینه‌ی جان می‌گذرد، مستلزمِ اعتمادسازی دوباره است. اما از سویی نیز آنها آموخته‌اند با جهانِ احساس‌های خود, سرراست‌تر و هماهنگ‌تر عمل کنند و سلطه‌ی نگاه دیگران و قضاوت‌های زودهنگام را به کناری نهند و به تعالی رابطه میانِ خود و دیگری برسند.

در سینمای ایران،این مضمون کمتر به چشم می‌خورد اما نشانه‌های آن را در برخی از دیالوگ‌ها و فیلم‌های علی حاتمی و مسعود کیمیایی می‌توانیم

www.ketab.ir

ردیابی کنیم و در این میان فیلم ***رد پای گرگ***، ردّ و نشان بیشتری از خود نشان می‌دهد.

توانایی و قدرت این آثار آنجاست که می‌توانند چنان حساسیت این لحظه‌ها را بالا ببرند که همه‌ی جزئیات و نشانه‌های رفتاری،کلامی و حسی و حتی لباس و حرکت دست و گردن و نگاه و... را تا بالاترین حد خود مورد توجه قرار دهند. دیالوگ‌های چندلایه و غیرمستقیم و انگشت گذاشتن بر زخم‌ها و حسرت‌ها،تا رسیدن به لحظه‌ی «اعتراف» و سرباز کردنِ احساسات و سوءتفاهم‌ها، تا ترمیم دوباره‌ی رابطه، از درخشان‌ترین لحظه‌های سینمایی و گفتگونویسی را رقم می‌زند.

در علت جدایی و هم نرسیدنِ آنها در گذشته، علاوه بر خودخواهی و خامی آنها، نوعی نگاه تقدیری هم به چشم می‌خورد. تبعات جنگ، تعصبات قومی/ قبیله‌ای/ خانوادگی بدخواهی و توطئه‌ی رقیب یا کس و کسانی که از فاصله‌ی آنها سود می‌برده‌اند، فاصله‌ی طبقاتی، مسافرت و یا حادثه‌هایی اجباری و ناخواسته و... اما انگار قانون جذب درون ، سرانجام بر همه‌ی آنها فائق آمده و آنها را دوباره به هم رسانده است. موقعیت امروز آن دو -زن و مرد- در «عشق بازیافته» تاثیر بسیاری دارد اگر یکی از آنها به فروپاشی و سقوط و فراموشی رسیده باشد، امکانِ بازسازی رابطه بسیار مشکل به نظر می‌رسد. اگر فاصله‌ی جدایی کمتر باشد و موقعیت شغلی و روحی هم طبیعی باشد یا انگلی نباشد -که به دیگری به عنوان سکوی پرش رجوع کرده باشد- هم موقعیت و مفهوم صحنه،معنا و عمق بیشتری می‌یابد. بنابراین اتفاقی و غیرمنتظره بودن و مواجهه دوباره‌ی با همدیگر پس از سال‌ها -یعنی همه‌ی آن شائبه‌ها و سبک و سنگین کردن‌ها- و به طور طبیعی جریان یافتن رابطه و نطفه‌های درونی آن در تاثیرگذاری این لحظه‌ها سهم به‌سزایی دارد. هر چند این نگاه در سینمای امروز به کلی تغییر کرده است،به طور مثال در فیلم « بیل رو بکش ۲ »تارانتینو دو قاتل حرفه‌ای زن و مرد پس از یافتن دوباره‌ی همدیگر و قصد کشتن و انتقام‌گیری از هم،تا ضربه‌ی مرگبار زن به «قلبِ بیل» تازه به عشق بازیافته می‌رسند! از سویی آنها ابایی ندارند بگویند در

www.ketab.ir

طول این رابطه از هم سوءاستفاده می‌کرده‌اند! از این رو در انتخاب این صحنه، به عنوان صحنه‌ی خالصِ «عشق بازیافته» دچار تردید می‌شویم!

«عشق بازیافته» در ادبیات داستانی ایران (همچون سینمای ایران) بسیار اندک و انگشت‌شمار است. دلایل آن را شاید بتوان به مقوله‌های بسیاری مرتبط دانست. اما می‌توان در سطح کلان به نبودِ امنیتِ عاطفی، میوه‌ی ممنوعه دانستنِ عاشقی، تحول‌ها و تنش‌های پی‌درپی سیاسی ـاجتماعی در طی صد سال اخیر، نبودِ فردیت و بلوغِ احساسی-عقلانی و... اشاره کرد.

نمونه‌های برجسته ای از عشق بازیافته را می توان در ادبیات نمایشی، دردو نمایشنامه ی سال های آخر زندگی هنریک ایبسن یافت که مملو از احساسات و رفتارهای عاطفی و پیچیده ی میان زن و مرد است بی آن که در دام ملودرام بیفتد. نمایشنامه ها ی « ما مردگان بر می خیزیم » و « جان گابریل بورگمن» در نمونه ی قابل توجه در این مورد هستند.همچنین نمایشنامه ی معاصر « ...پایانی» نوشته ی یون فوسه که نگاهی امروزی و چند لایه به این گونه رابطه ها دارد.

در نمایشنامه های امروز ایرانی با نمونه های کمی از عشق بازیافته روبرو می شویم . تنها در نوشته های نمایشنامه نویسان زن جوان معاصر با نشانه هایی از این گونه رابطه ها مواجه می شویم که با نگاهی گسترده و عمیق و با جزییات - نسبت به نمونه های برخاسته ی آن در جهان -روبرو باشیم. تاثیر بحران های سیاسی ـاجتماعی را در هر دو اثر می توان یافت. در این کتاب به دو نمونه از این نوع نمایشنامه ها که خوشبختانه هر دو هم اجرا شده اند اشاره می شود : نمایشنامه ی « طعم آلوی جنگلی » نوشته و کار نوشین تبریزی و نمایشنامه ی « مرد مقابل» نوشته ی هاله مشتاقی نیا با اجرای سیما تیرانداز.

در این کتاب به لحاظ نظری - ساختاری و محتوایی - ده مولفه و الگوهای تکرار شونده در« عشق بازیافته » میان زن و مرد مورد توجه و واکاوی قرار گرفته که همان مبنای بررسی درشکل های گوناگون دیگرآثارهنری قرار گرفته است.

www.ketab.ir